

**Ethics of Performance in National Media Non-Show Programs
Emphasizing the Element of Modesty in the Performance of Women**

Somayeh Seyvanizad¹

Mohammad Hosein Kashkouli²

Abstract

The presenter, as the main pillar of non-show programs on radio and television, plays an important role in conveying moral messages. Creating a proper semantic connection between the programmer and the audience is a serious task for the presenters who can use their inherent experiences, abilities and talents to be the most important factor in the success of the program. One of the most important ethical aspects of women performing on radio and television is paying attention to the issue of life. From the Islamic point of view, modesty in the human educational system is at the top of moral virtues.

Examining the dimensions of modesty in women's performance as one of the main characteristics of Muslim women is a great help to the people of the media; Hosts in particular are concerned that they can play a role in effective programs and have serious effects in the field of culture by avoiding the moral evils of immodesty. In this research, the information of which has been collected and documented through documentary methods and library resources, the dimensions of modesty in women's performance have been studied and practical solutions have been presented to take advantage of this moral value. Paying attention to modesty in the dimensions of looking, hearing, speech and behavior are the four moral aspects that women should be faithful to in performing; Therefore, its limits and methods have been described and explained in a practical way in this research.

Keywords: Performing ethics, modesty, female performing.

1. Master Student of Women Studies, University of Religions and Beliefs, Qom, Iran (Corresponding Author).
Astaneh135@gmail.com

2. PhD student in Culture and Communication, Baqer al-Uloom University. Royesh89@gmail.com

اخلاق اجرا در برنامه‌های غیرنمایشی رسانه ملی با تأکید بر عنصر حیا در اجرای زنان

سمیه سیوانی زاد*، محمدحسین کشکولی**

چکیده

مجری، رکن اصلی برنامه‌های غیرنمایشی در رادیو و تلویزیون است و نقش مهمی در انتقال پیام‌های اخلاقی ایفا می‌کند. وظیفه خطیر مجریان، ایجاد ارتباط معنایی شایسته میان برنامه‌ساز و مخاطب است. اگر مجری از تجارب، توانمندی‌ها و استعدادهای ذاتی خود به خوبی استفاده کند، می‌تواند مهم‌ترین عامل موفقیت برنامه به شمار آیند. حضور زنان در این عرصه، به دلیل پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های شرعی و اخلاقی، بر اهمیت این نقش آفرینی می‌افزاید. یکی از ابعاد مهم اخلاقی مجری‌گری زنان در رادیو و تلویزیون، توجه به موضوع حیا است. از نگاه اسلام حیا در نظام تربیتی انسان در رأس مکارم اخلاق قرار دارد. بررسی ابعاد حیا در مجری‌گری زنان، به منزله یکی از شاخصه‌های اصلی زن مسلمان، به

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Astaneh135@gmail.com

** دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)

Royesh89@gmail.com

تاریخ تایید: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴



اصحاب رسانه، به ویژه مجریان دغدغه‌مند، کمک می‌کند تا بتوانند در برنامه‌های اثرگذار، ایفای نقش کنند و با پرهیز از آفات اخلاقی بی‌حیایی، در عرصه فرهنگ به طور جدی فعال باشند. در این تحقیق که اطلاعات آن با روش اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، ابعاد حیا در مجری‌گری زنان بررسی و راهکارهای عملی برای بهره‌گیری از این ارزش اخلاقی ارائه شده است. توجه به حیا در نگاه، شنیدن، گفتار و رفتار، چهار وجه اخلاقی است که زنان باید در مجری‌گری به آن وفادار باشند؛ از این رو، حدود و چگونگی آن در این پژوهش به طور کاربردی تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها

اخلاق مجری‌گری، حیا، مجری‌گری زنان.

مقدمه

رسانه‌های جمعی در جامعه امروز نقش اساسی دارند. این رسانه‌ها ابزارهایی هستند که از طریق آن‌ها اطلاعات، مفاهیم و ایده‌ها به مخاطبان خاص و عام منتقل می‌شود. رسانه‌های جمعی با داشتن مخاطبان گسترده و تأثیرگذاری بر آن‌ها همواره به دنبال راه‌حل‌های مناسب برای دستیابی به اهداف تعیین شده هستند. بر همین اساس، مدیران رسانه‌ای همواره می‌کوشند بر کیفیت برنامه‌های خود بیفزایند و نیروهای انسانی کارآمدتری را جذب کنند.

امروزه رسانه‌های ارتباط جمعی به منزله عوامل تحکیم و توسعه اجتماعی و فرهنگی، نقش بسیار مهمی در جوامع دارند. از این میان، رادیو و تلویزیون در افزایش سطح آگاهی و اخلاق اجتماعی نقش مهم‌تری دارند. برای تأثیرگذاری بیشتر رادیو و تلویزیون و دستیابی به اهداف مورد نظر، این رسانه‌ها باید از کارکنان توانا و شایسته بهره بگیرند. یکی از کارکنان رسانه که نقش مهمی در انتقال پیام به مخاطب دارد، مجری است.



یکی از دغدغه‌های همیشگی برنامه‌سازان تلویزیون، جذب انبوه مخاطبان با سلیقه‌های مختلف است. هنگامی که سخن از برنامه‌سازی با ساختارهای به اصطلاح غیرنمایشی به میان می‌آید، از برنامه‌های گفت‌وگومحور تا مسابقه‌های تلویزیونی و برنامه‌های ترکیبی و سرگرم‌کننده و به‌طور کلی، برنامه‌هایی که در آن، حضور مجری یا گرداننده فعال در صحنه الزامی است، بخشی از وظیفه جذب و پس از آن، هدایت مخاطب به سمت وسوی مضامین و اهداف برنامه، به مجری سپرده می‌شود.

در این گونه برنامه‌ها، مجری یا مجریان، به منزله عامل ارتباط میان مخاطب و رسانه، وظیفه دارند بیننده را پای دستگاه‌های گیرنده بنشانند یا با تبحر خود در اجرا - که برآمده از تجربه، دانش و تسلط آنان به موضوع برنامه و شناخت آن‌ها از مخاطب، طی زمان معین پخش برنامه است - تماشاگران را با خود و برنامه همراه سازند.

اهمیت نقش مجری در برنامه‌های رادیو و تلویزیون و میزان اثرگذاری آن‌ها بر جامعه مخاطب، پای مسائل اخلاقی را به میان می‌کشد؛ اگر مجریان، آداب اخلاقی را رعایت کنند، می‌توانند تا حدی هدایت‌گر مخاطبان خود باشند. در این میان، وظایف مجریان زن، بسیار حساس‌تر و پراهمیت‌تر جلوه می‌کند؛ زیرا پیچیدگی‌های حضور زنان در رسانه بسیار بیشتر از مردان است و به همان اندازه می‌تواند در حوزه مسائل اخلاقی اثرگذارتر باشد. یکی از ابعاد مهم اخلاقی مجری‌گری زنان توجه به موضوع حیا است. از نگاه اسلام، حیا در نظام تربیتی انسان از جایگاه والایی برخوردار است.

در مبحث انسان‌شناسی، اخلاق در درجه نخست اهمیت قرار دارد و در بردارنده عناصر بسیاری است. در میان این مجموعه عناصر، برخی از عوامل، امتیاز و برتری ویژه‌ای نسبت به دیگر عوامل دارند که اصطلاحاً «مکارم اخلاق» نامیده می‌شوند. عنصر یا عامل «حیا» در رأس مجموعه مکارم (شایستگی‌ها) قرار دارد (ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۴: ص ۱۵۲۸).



امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کرامت‌های اخلاقی ده تاست، اگر توانستی آن‌ها را در خود فراهم آوری، چنان کن. این خصلت‌ها ممکن است در مرد باشد و در فرزندش نباشد، یا در فرزند باشد و در پدرش نباشد، یا در برده باشد و در شخص آزاد نباشد. گفته شد: این خصلت‌ها کدام‌اند؟ فرمود: پایمردی در نبرد و سختی، راست‌گفتاری، امانت‌داری، صله رحم، میهمان‌نوازی، اطعام فقیر، جبران نیکی‌ها، رعایت حقوق همسایه و دفع ضرر از رفیق و برترین آن‌ها حیاست» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۵۵).

دلیل برتری حیا بر دیگر عوامل این است که حیا نه مبتنی بر ترس است و نه بر طمع، بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت انسانی است و براساس آن، وقتی فرد، خود را در حضور شخصی کریم بیابد، از ارتکاب زشتی‌ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می‌کند. انسان به اندازه کرامتی که از آن برخوردار است، شرم دارد که به زشتی‌ها آلوده یا از زیبایی‌ها محروم شود. پس، حیا در رأس نظام مهارکننده و نظم‌دهنده انسان قرار دارد و شاید به همین دلیل باشد که خداوند متعال پیش از آنکه مردم را به ترس از خود فراخواند، به حیا فراخوانده و فرموده است: ﴿أَلَمْ يَغْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾؛ آیا انسان نمی‌داند که خداوند او را می‌بیند؟ (علق: ۱۴).

امروزه کمتر به اهمیت حیا توجه می‌شود و نظام‌های نظارتی و نظم‌دهنده بیشتر ترس محور یا طمع محور هستند. طبق روایات، حیا و صبر از نیروهای مهارکننده‌ای هستند که در زنان بیش از مردان وجود دارند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«خداوند بزرگ میل جنسی را ده جزء آفرید. پس نه جزء آن را در زنان (مؤنث)، و یک جزء را در مردان (مذکر) قرار داد و اگر به اندازه اجزای شهوتشان در آنان حیا و شرم قرار نداده بود، با هر مردی نه زن درمی‌آویخت» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۵: ص ۳۳۸).



امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«از آن‌رو که زن ۹۹ برابر لذت می‌برد (در مسائل جنسی)، بر مرد برتری دارد، ولی خداوند حیا را بر آنان افکنده است» (همان، ص ۳۳۹).

آنچه در اینجا مهم است و از این روایات و دیگر سخنان اهل بیت علیهم السلام فهمیده می‌شود، این است که حیای زن بر حیای مرد برتری دارد. به عبارتی، رعایت حیا در زن نسبت به مرد اهمیت بیشتری دارد و از سوی دیگر، قدرت رعایت حیا در زنان به‌طور خدادادی بیشتر است.

موضوع این پژوهش با توجه به آنچه گفته شد، بررسی حیا در مجری‌گری زن است که به ابعاد حیا در نگاه، شنیدن، رفتار و گفتار می‌پردازد.

پیش از این، پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ مبحث حیا انجام گرفته است، اما به دلیل جدید بودن انطباق این موضوع با مجری‌گری زنان هنوز کار تحقیقی قابل‌اعتنایی در این زمینه صورت نگرفته است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر می‌تواند مسیر جدیدی را در این عرصه بگشاید. در این پژوهش قصد داریم ابعاد حیا در مجری‌گری زنان را به‌منزلهٔ یکی از گزاره‌های مهم اخلاق در رسانه بررسی کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که ابعاد اخلاقی حیا که مجریان زن باید در نگاه، شنیدن، رفتار و گفتار رعایت کنند، چیست؟

داده‌ها و اطلاعات این پژوهش از طریق اسناد و مراجعه به کتابخانه و منابع اصلی دینی و اخلاقی، تهیه و با روش توصیفی و تحلیلی، پردازش و تفسیر و جمع‌بندی شده‌اند.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. حیا

الف) حیا در لغت و اخلاق

حیا از ریشهٔ «ح ی و» یا «ح ی ی»، به معنای شرم‌داشتن و آزر است و در زبان فارسی، شرم و حیرت و وحشتی است که در آدمی از آگاه‌شدن دیگری بر



عیب و نقص او ظاهر می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۸، ج ۳۰: ص ۳۳۳) و منظور از آن، خودداری از انجام دادن کارهای زشت به سبب ترس از سرزنش شدن است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۶۰۸).

در تعاریف مختلف به ویژگی‌های روانی حیا اشاره شده‌است؛ مانند تغییر و دگرگون شدن حال، حالت انکسار درونی، شکستگی روانی، انقباض نفس و بازدارندگی و دوری‌گزینی. در تعاریف اهل لغت، سه محور برای حیا وجود دارد: ۱. تغییر و انکسار (اثرپذیری) درونی؛ ۲. انقباض نفس؛ ۳. بازدارندگی. لذا می‌توان گفت این سه محور، بیانگر جنبه‌های مختلف حیا هستند که به ویژگی‌های روانی و کارکرد و خودنگه‌داری حیا پرداخته‌اند (پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

در فرهنگ عالمان اخلاق، حیا نوعی انفعال و انقباض نفسانی است که موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می‌گردد و منشأ مهم آن، ترس از سرزنش دیگران است.

در کتاب‌های اخلاقی از حیا به نوعی انفعال و اتصاف نفسانی و انزجار از کار خلاف آداب برای جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران، برای حرمت شخص مقابل و مواجهه با آنچه آن را نقص می‌دانند، یاد شده است. (طوسی، ۱۳۵۶، ص ۷۷).

از مجموع تعاریف علمای اخلاق چند نکته به دست می‌آید:

اول) حیا هنگام مواجه شدن با یک فعل قبیح رخ می‌دهد؛

دوم) در این حالت، روان انسان حالت انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار پیدا می‌کند. این حالت، ضد بازبودن و علاقمندبودن است؛

سوم) این نوع برانگیختگی در عمل، هم موجب انجام دادن یک کار و هم موجب ترک یک کار است که تنظیم رفتار نامیده می‌شود؛

چهارم) حیا زیرمجموعه ترس است؛ زیرا علت برانگیختگی هنگام مواجهه با یک کار زشت، یا ترس از سرزنش و نکوهش مردم است یا ترس از ارتکاب آن؛



پنجم) منشأ زشت دانستن یک عمل یا شرع است یا عقل یا عرف و آداب یک جامعه (پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

ب) حیا از منظر آیات و روایات

روایات درباره شرم و حیا سه رویکرد دارند؛ اول: از نظارت خداوند سخن می‌گویند، جهان را محضر خداوند معرفی می‌کنند و مردم را به حیا کردن از خداوند فرامی‌خوانند. دوم: مردم را به حضور و نظارت فرشتگان توجه می‌دهند و آنان را به حیا دعوت می‌کنند. سوم: نظارت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار را بر اعمال و رفتار انسان‌ها یادآوری می‌کنند. در اینجا، بر اساس این دسته‌بندی، به بعضی از آیات و روایات اشاره می‌شود:

دسته اول: نظارت خداوند

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می‌بیند، هرچند تو او را نمی‌بینی» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۵۶).

دسته دوم: نظارت فرشتگان

امام صادق علیه السلام با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدمی می‌فرماید: «هرکس که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگهبان، حیا کند، خداوند همه گناهان او را می‌آمرزد، هرچند به اندازه گناهان جنّ و انس باشد» (همو، ۱۳۷۱، ص ۴۱۱).

دسته سوم: نظارت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام
خداوند در آیه ۱۰۵ سوره توبه می‌فرماید:



﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ یعنی خدا از کارتان آگاه است،
چون در همه جا حاضر و بر همه چیز ناظر است. پیغمبر و مؤمنان هم از کارتان
مطلع می‌شوند.

ج) ارکان اصلی حیا

ارکان حیا عبارت‌اند از: مهار نفس، فعل قبیح، حضور و نظارت و شخص حیاکننده
(پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۳۱) که در ادامه، دربارهٔ هریک سخن خواهیم گفت:

یک_ مهار نفس

مهار کردن خود و مدیریت نفس یکی از مفاهیم اخلاقی اساسی و از آموزه‌های مهم
اسلام است. اساس نیاز به مهار خود و مدیریت نفس آن است که همواره خواست
نفس با مصلحت انسان سازگار نیست. ناسازگاری میان خواست و مصلحت ایجاد
می‌کند انسان نفس خود را که مرکز خواسته‌هاست، مهار و مدیریت کند.

دو_ فعل قبیح و ناهنجار

حیا هنگامی برانگیخته می‌شود که فعلی ناهنجار و قبیح در میان باشد.
وقتی کسی در وضعیتی قرار گیرد که زمینه کار قبیح برایش آماده باشد و امکان
داشته باشد آن کار را انجام دهد، موقعیت حیا پیش می‌آید. در چنین موقعیتی
فرد یا حیا می‌کند و آن کار را انجام نمی‌دهد یا حیا نمی‌کند و مرتکب آن می‌شود.
ولی اگر فعل قبیح در کار نباشد و زمینه‌ای برای آن فراهم نشود، حیا نیز موضوعیت
نخواهد داشت.

نکتهٔ دیگر اینکه کار ناهنجار ممکن است به شکل انجام یا ترک فعل باشد؛
همان گونه که ممکن است انجام دادن یک کار قبیح به شمار بیاید، ترک کار خوب



نیز قبیح است؛ از این رو گاهی به دلیل انجام دادن کاری باید حیا کرد و گاهی به سبب انجام ندادن آن.

سه _ حضور و نظارت

مسئله حضور و نظارت از اساسی ترین مفاهیم حیاست. بدون وجود این عنصر، هر چند امکان دارد که بازدارندگی و مدیریت نفس به دلیل دیگری رخ دهد، اما ممکن نیست حیا برانگیخته شود. حیا فقط هنگامی برانگیخته می شود که عنصر نظارت فعال باشد. اینکه بعضی افراد کارهای خلاف خود را دور از چشم دیگران انجام می دهند و مکان های خلوت را برای این گونه کارهای قبیح انتخاب می کنند و می کوشند تنها باشند یا هنگام تاریکی شب دست به فعل قبیح می زنند، به این دلیل است که می خواهند در نقطه کور نظارت قرار بگیرند و خود را از قلمرو دید دیگران خارج کنند تا شرم، مانع آن ها نشود.

نکته مهم این است که صرف وجود نظارت به منزله واقعتی خارجی برای برانگیختن حیا کافی نیست. حیا هنگامی برانگیخته می شود که نظارت موجود از طرف شخص درک شود. مراد از این جمله معروف امام خمینی علیه السلام که «عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ص ۳۸۳)، توجه دادن به وجود ناظری است که باید آن را در تمام مقاطع زندگی، احساس و درک کرد. اگر انسان ها وجود نظارت خداوند را در تمام مراحل زندگی خود احساس و درک و باور کنند حیا بر زندگی شان سایه می افکند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «دانستم که خداوند از من مطلع است، پس شرم کردم» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸: ص ۲۲۸). حضرت علی علیه السلام وقتی می خواهد در میدان نبرد یاران خود را به شرم و حیا کردن از فرار دعوت کند، نخست، آنان را به ناظر بودن خداوند توجه می دهد: «أَنْتُمْ بَعَيْنِ اللَّهِ وَ مَعَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ فَعَاوِدُوا الْكُفْرَ وَ اسْتَحْيُوا



مِنْ أَلْفَرِّ؛ شما در دید خدا و رسول خدا قرار دارید، دوباره حمله کنید و از فرار کردن حیا کنید» (نهج البلاغه، ص ۹۷). مسئله دیگر محترم بودن ناظر است. اگر ناظر دارای ارزش و احترام نزد فرد نباشد، حتی اگر علم به حضور وی نیز وجود داشته باشد، حیا را بر نمی‌انگیزد. حرمت ناظر لازمه حیاست. همانگونه که در بخش آیات و روایات گفته شد، ناظران دو دسته‌اند: اول، خداوند متعال و دوم، فرشتگان الهی.

چهار_ شخص حیاکننده

برای اینکه حیا شکل بگیرد، خود شخص نیز باید ویژگی‌هایی داشته باشد: اول، حیاکننده باید حضور ناظر را درک کند و برای او احترام قائل باشد و دوم، باید بداند کاری که می‌خواهد انجام بدهد اخلاقی نیست (در اینجا، اطلاع فرد از اعمال اخلاقی و غیر اخلاقی موضوعیت پیدا می‌کند).

نکته دیگری که باید بدان توجه کرد، «کرامت نفس» یا «خود ارزشمندی» حیاکننده است. حیا در کسی بروز می‌کند که کریم النفس باشد؛ زیرا اولاً، برای خود ارزش قائل است و هرگز حاضر نیست شخصیت خود را با کارهای غیر اخلاقی آلوده سازد و ثانیاً، شخص کریم برای آبرو و حیثیت خویش ارزش قائل است و به وجهه اجتماعی خود اهمیت می‌دهد و حاضر نیست تصویر ناخوشایندی از او در اذهان مردم نقش بندد (پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۵۹). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اللَّئِيمُ لَا يَسْتَحْيِي؛ فرومایه حیا ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۴۰).

۱-۲. مجری

مجری به شخص یا نهادی گفته می‌شود که اهداف و فعالیت‌های انجام‌شده در یک برنامه را معرفی می‌کند؛ به‌ویژه در دنیای رسانه (رادیو و تلویزیون)، مجری، مسئولیت ارائه برنامه‌ها را بر عهده دارد. ارتباط مؤثر با مخاطب از ویژگی‌های الزامی



مجری است. او باید بداند با توجه به طیف مخاطبان و هدف برنامه از چه شیوه‌ای برای برقراری این ارتباط استفاده کند (موسویان و یاری، ۱۳۹۳). در تعریف دیگر، مجری به اجراکننده برنامه گفته می‌شود که در برنامه حضور فیزیکی دارد. مجری معمولاً در برنامه دو گونه ایفای نقش می‌کند:

الف) به طور مستقل برنامه اجرا می‌کند و نقشی شبیه گوینده دارد؛
ب) اداره کننده برنامه است (تجدد علیزاده، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

از نظر تولید، مجری اغلب به عنوان «سردبیر اجرایی» عمل می‌کند. از نظر بازاریابی، مجری «برچسب محصول» یا معرف برنامه است. از این نظر او یک برند تجاری است که محصول را می‌فروشد. از نظر سازمان، قدرت فردی مجری در مقام یک کارآفرین دارای نقش بسیار مهمی است. مجری با مدیران شبکه و برنامه‌سازان سروکار دارد و شهرت او سبب جذب آگهی دهندگان و حامیان مالی می‌شود؛ به همین دلایل، یک مجری توانمند، نقش بی‌بدیلی در تولید و شهرت این برنامه‌ها دارد (همان، ص ۲۶).

موجودیت پر ارج جهانی رادیو و تلویزیون، به منزله رسانه بسیار مهم گروهی، در گرو وجود مجریان کارآموده، مطلع، خوش صدا و بعضاً خوش سیماست که در کنار تهیه کنندگان، نویسندگان، کارکنان و متخصصان دست‌اندرکار تولید برنامه‌ها، نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کنند؛ زیرا این مجریان با صدا و تصویر خود، نتیجه تمام زحمات و برنامه‌ریزی‌ها و صرف بودجه‌های کلان را به مردم ارائه می‌دهند.

مجریانی که در تلویزیون اشتغال دارند باید از یک سو، از تخصص‌ها، مهارت‌ها و از سوی دیگر، از الطاف خدادای لازم بهره‌مند باشند تا بتوانند هم مکمل کارگروه تولید باشند و هم تهیه کنندگان را به اهداف عالی تعیین شده خود برسانند. مردم نیز در سایه این تلاش‌ها و ممارست‌ها به آگاهی‌هایی که مورد نظر است، دست می‌یابند (صفایی، ۱۳۷۲، ص ۲). بنابراین، آنچه یک برنامه تلویزیونی را موفق می‌دارد، در درجه نخست، تصویر مجری آن برنامه است (همان‌جا).



۲. تحلیل یافته‌ها

در عصر ارتباطات که رسانه نقش به‌سزایی در شکل‌دهی فرهنگ جوامع ایفا می‌کنند، توجه به مسائل اخلاقی که یکی از ارکان آن حیاست، امری انکارناپذیر است. رسانه می‌تواند با رعایت حیا در برنامه‌های مختلف، بر جامعه اثرگذار باشد. از سوی دیگر، یکی از عوامل ترویج بی‌حیایی در جامعه، رسانه است؛ زیرا با پیشرفت فناوری و فزونی مخاطبان، رسانه راهبری افکار عمومی را به دست گرفته است.

تلویزیون و رادیو، رسانه‌های دیداری و شنیداری هستند که با استفاده از محصولات تصویری و صوتی، مخاطبان بسیاری را جذب کرده‌اند. در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی نقش مجری برای اداره و پیشبرد برنامه، تعیین‌کننده است. به همین میزان حساسیت، نوع رفتارهای مجریان می‌تواند تأثیر فرهنگی خاصی بر مخاطب بگذارد. ساختار اغلب برنامه‌های تلویزیون و رادیو متکی بر مجری است که نقش رابط میان بینندگان (شنوندگان) و عوامل تولید برنامه را ایفا می‌کند. در چنین برنامه‌هایی مجری با مهارت‌های ارتباطی خود، ضمن ایجاد ارتباط هنرمندانه با بینندگان، پیام‌های اصلی برنامه را منتقل می‌کند.

عده‌ای معتقدند مجری فقط یک گوینده است که از روی متن می‌خواند (مانند گوینده‌های خبر) و مسئولیت اصلی را عوامل برنامه بر عهده دارند، در حالی که بعضی دیگر، کار مجری را فعالانه ارزیابی می‌کنند و نقش او را بیش از قرائت متون نویسندگان برنامه می‌دانند. آن‌ها معتقدند مجری، ویتترین برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی است که نقش آفرینی هنرمندانه‌اش ضمانت جذب مخاطبان برنامه است.

مسئله مهم این است که رعایت مسائل اخلاقی از سوی مجریان می‌تواند به‌نوعی مخاطب را تربیت کند و بر جامعه تأثیر بگذارد. رعایت حیا به‌منزله یکی از ارکان مهم اخلاق، از این دست به‌شمار می‌آید. در اینجا مسئله حیای مجریان زن را در ابعاد مختلف در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بررسی می‌کنیم؛



به طوری که آشکارا بر مخاطب تأثیر بگذارد. طبیعی است که دامنه این مبحث به ارتباطات پشت صحنه و مسائل اجتماعی مجریان زن هم کشیده می شود که از فرصت این مقاله خارج است.

جلوه های حیا در مجری

۱. حیا در نگاه

خداوند متعال ظرفیت ویژه ای را در چشم ها قرار داده است که تنها با همین ظرفیت، بدون آنکه حتی با زبان چیزی گفته شود، می توان با دیگران ارتباط برقرار کرد؛ به همین دلیل حیا در نگاه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «فَأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْخَيَاءَ فِي الْعَيْنَيْنِ؛ خداوند حیا را در چشمان قرار داده است» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۳: ص ۱۶۶). قواعد اخلاقی اسلام برای حفظ سلامت و پاکی جامعه، مردان و زنان را موظف کرده چشمان خود را از نگاه های آلوده دور بدارند. انسان از روی غریزه به جنس مخالف گرایش دارد و حواس او (شنوایی، لامسه، بویایی، بینایی) نقش به سزایی در تحریک این غریزه ایفا می کنند، اما حساسیت هیچ یک از این حواس به اندازه چشم نیست؛ زیرا هم زمینه انحراف در این حس بیشتر است و هم موانع کمتری برای رسیدن به مقصود خود بر سر راه دارد.

اگر بخواهیم از این منظر اجرای زنان را بررسی کنیم، به طور طبیعی باید به سراغ برنامه های تلویزیونی برویم و حضور مرد نامحرم را در مقابل مجری زن بررسی کنیم. مهم ترین مسئله ای که در این رابطه باید به آن توجه کرد، نوع نگاه مجری زن به مرد نامحرم در برنامه است. آسیبی که در برنامه های امروز تلویزیون مشاهده می شود، نگاه خیره و گاهی همراه با عشوه زنان به مردان نامحرم است که در صورت آرایش غلیظ (به ویژه چشمان)، می تواند روی مرد نامحرمانگر بگذارد. این نوع نگاه، با شرایطی که ذکر شد، قطعاً از چهارچوب موازین اخلاقی خارج است و گاهی نیز مشمول حرمت شرعی می شود.



نکته دیگر اینکه مجری زن نباید با استفاده از نگاه خود کاری کند که مرد نامحرم تحریک شود و به جای توجه به موضوع برنامه به انحراف فکری کشیده شود. تغییر حالات چشم (نازک کردن چشمان)، چشمک زدن، استفاده از لنزهای رنگی غیرمتعارف، خمار کردن چشم، اشارات چشمی مزاح گونه، استفاده از قدرت و عشوه زنانگی از جمله حرکات مغایر اخلاق و احکام دینی است که گاهی اوقات از مجریان زن در برنامه‌های تلویزیونی صداوسیما سر می‌زند. آرایش و گریم بی‌رویه، به‌ویژه در ناحیه چشم مجری زن، این مشکل اخلاقی را تقویت می‌کند.

همان‌گونه که گفته شد، پیام‌های رسانه‌ای می‌تواند در جامعه فرهنگ‌سازی کند؛ از این رو، نوع نگاه مجری زن در برنامه‌های تلویزیونی می‌تواند به رفتارهای مشابه اجتماعی منجر شود؛ زیرا کمترین تبعات آن عادی‌سازی ارتباط با نامحرم است. با توجه به اینکه استفاده از آرایش غلیظ، حرمت شرعی دارد و از دایره مباحث اخلاقی خارج می‌شود، دستور اخلاقی اسلام برای رعایت حیا در نگاه این است که نگاه زن به مرد نامحرم، «خیره» نباشد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَنْعَضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾؛ «و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاکدامنی ورزند» (نور: ۳۱). در این آیه، مفهوم «غض بصر» این است که نگاه را کاهش بدهند؛ یعنی خیره نگاه نکنند و به اصطلاح علمای علم اصول، نظرشان آلی باشد، نه استقلال.

شهید مطهری در توضیح «غض بصر» این طور می‌گوید:

«توضیح اینکه یک وقت نگاه انسان به یک شخص برای ورنه از کردن و دقت کردن به خود آن شخص است؛ مانند اینکه بخواهد وضع لباس و کیفیت آرایش او را مورد مطالعه قرار دهد، ولی یک وقت دیگر نگاه کردن به شخصی که با او روبه‌رو است برای این است که با او حرف می‌زند و چون لازمه مکالمه نگاه کردن است، به او نگاه می‌کند. این نوع از نگاه کردن که به‌عنوان مقدمه و



وسيلة مخاطبه است، نظر آلی است، ولی نوع اول نظر استقلالی است. پس، معنی
غض بصر این است که خیره نشوند» (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱-۱۲۴).

قائده «تداعی معانی» که یکی از دستمایه‌های فروید در روان‌کاوی است، از این
جمله است. «کلمه "تداعی" که اصطلاح روان‌شناسی است، به‌طور معمول با واژه
"معانی" به کار می‌رود. تداعی به معنای دعوت کردن است؛ یعنی در حافظه شخص هر
مطلبی، مطالب دیگر را به خاطر می‌آورد. آنگاه هریک از این مفاهیم ذهنی جدید،
اشیا و مفاهیم مرتبط دیگری را به یاد می‌آورد و... مثلاً «باران»، «آب» را تداعی
می‌کند» (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۱۹۲). بسیاری اوقات یک صحنه می‌تواند خیالاتی را در
ذهن پرورش دهد یا ماجرای جنسی را در ذهن تداعی کند و بعضاً با دخالت شیطان،
در حریم عواطف و تخیلات شخص نیز وارد گردد که وقتی شخص آن را از
آگاهی خود می‌راند در رؤیا با آن درگیر می‌شود. لذا برخی از سختگیری‌ها برای
جلوگیری از همین تداعی‌هاست.

بهترین راه برای رعایت حیا در نگاه و جلوگیری از خیره‌شدن، منصرف کردن
دید و کوتاهی نگاه است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که چشم خود را پایین
اندازد، دلش آسوده گردد، تأسف کمتر خورد و از نابودی در امان ماند» (تمیمی
آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۲۲). بدین منظور، مجری زنی می‌تواند افق دید خود را
گسترش دهد و نگاهش را به‌طور پیاپی در مسیر دیگری، خارج از مسیر چشمان مرد
مقابل قرار دهد.

نکته دیگر، نگاه مجری زن به صحنه‌های غیراخلاقی یا بدن نامحرم است
که این هم از دایره اخلاق و احکام شرعی خارج است. ممکن است در برنامه‌ای
تلویزیونی، شرایطی ایجاد شود که مرد برهنه‌ای به تصور کشیده شود یا مجری
زن در صحنه مردان برهنه (مانند مسابقات کشتی) قرار گیرد. در این صورت نیز باید
از نگاه خود مراقبت کند و انصراف دید داشته باشد. از منظر فقهی، نگاه توأم
با لذت جنسی به مرد نامحرم و یا نگاه به بدن برهنه او حرام است. (عباسی آرانی،
۱۳۹۲، ص ۲۰۷).



۲. حیا در شنیدن

حیا در شنیدن، نسبت به حیا در گفتار، از ظرافت بیشتری برخوردار است. حیا در زنان بیشتر از مردان، محترم شمرده می‌شود؛ از این رو، اگر مجری زن در شرایطی قرار بگیرد که حدود حیا در آن محترم شمرده نمی‌شود، براساس اصل حیا باید واکنش نشان دهد. اظهار شرمساری از شنیدن سخنان شرم‌آور، «حیا در شنیدن» نامیده می‌شود.

گاهی مجری زن در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی در شرایطی قرار می‌گیرد که دیگران، سخنانی همراه با مطالب مبتذل بر زبان جاری می‌کنند یا ممکن است برخی دست‌اندرکاران و مهمانان، سخنان زشت و رکیک، حرف‌های جنسی و تحریک‌کننده بگویند یا شوخی‌های نامتعارف کنند که شنیدن آن‌ها به بی‌حیایی شنیداری منجر می‌شود. مجری زن باید بتواند با مدیریت شنیده‌هایش، عرصه را برای این گونه سخنان تنگ کند و به دیگران اجازه ندهد آن‌ها را بیان کنند. همچنین، از شنیدن آن گفته‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم اظهار شرمساری کند تا مخاطب، متوجه مخالفت مجری با این رفتارها شود.

در برنامه‌ای که فرهنگ آن براساس حیا پایه‌ریزی شده است، سخنان خارج از چهارچوب حیا برای مخاطب و شنونده جذابیت ندارند؛ چراکه شنونده سخن قبیح، همچون گوینده آن، مبتلا به عمل زشت گردیده و از دایره حیا خارج شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سَامِعُ الْغَيْبِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ؛ شنونده غیبت، یکی از غیبت‌کنندگان است» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۶).

۳. حیا در گفتار

اصولاً زبان دارای کاربردهای گوناگون است. زبان وسیله‌ای مناسب برای ابراز احساسات و تمایلات افراد است و این مسئله خودآگاه و ناخودآگاه رخ می‌دهد و می‌تواند را حیا در ارتباطات تنظیم کند. در واقع، نوع واژگان، نوع گویش و ترکیب



سخن، میزان حیای انسان را در گفتار رقم می‌زند. به تعبیر قرآن کریم، افراد را از نوع گویش آن‌ها خواهی شناخت: «وَلتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ»؛ «طی سخن می‌توانی کاملاً آن‌ها را بشناسی» (محمد: ۳۰). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ صَحِبَهُ الْحَيَاءُ فِي قَوْلِهِ زَايَلَهُ الْخَنَى فِي فِعْلِهِ؛ هر کسی که در گفتار او حیا باشد، هلاکت و فساد از کردار او جدا می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۲۵۲).

مهم‌ترین لازمه اجرا در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، نوع بیان و سخن گفتن و استعداد مجری در بهره‌گیری از قدرت بیان است. بیان مجری را در به گونه کلی می‌توان دسته‌بندی کرد: دسته اول، محتوای ارائه شده و دسته دوم، نوع و لحن بیان مطالب.

دسته اول: بیان مطالب و محتوای مناسب

در درجه اول، محتوای کلام باید از معاصی گفتاری چون دروغ، غیبت، تهمت، تمسخر، تخریب و هتک حرمت دیگران خالی باشد. با رواج حرمت‌شکنی در فضای یک برنامه رسانه‌ای، اعتماد عمومی از بین می‌رود و تعاملات مبتذل، جای ارتباطات متین را می‌گیرد. درشت‌گویی، فحاشی، به‌زبان آوردن مطالب تحقیرکننده و شوخی بیش از اندازه موجب ترویج بی‌حیایی در فضای برنامه می‌شود. گزینش کلمات، نقشی به‌سزا در حفظ حیا دارد.

زنان مجری در ارتباط‌های کلامی باید ادب و احترام را رعایت کنند. بعضی از سخنان در جمع زنان قابل بیان است و در حضور آقایان نباید مطرح شود؛ به‌تبع آن، نمی‌توان آن سخنان را در حضور مخاطبان هم مطرح کرد. همچنین، برای احترام به منزلت و شخصیت مخاطب باید از بیان سخنان مخالف حیا دوری کرد.

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شاعری به‌نام «ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب» می‌زیست که شعر ناشایستی را در هجو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرود. او پسر عموی پیامبر بود، اما رعایت منزلت ایشان را نکرد. بعدها این شاعر مسلمان شد، ولی آن‌قدر شرمسار و خجلت‌زده بود که



نزد پیامبر حضور نمی‌یافت و هرگاه با پیامبر روبه‌رو می‌شد، سر به زیر می‌افکند. روزی به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ راه چاره‌ای به او نشان داد و فرمود: «این بار از روبه‌رو بر پیامبر وارد شو و این جمله برادران یوسف را بر زبان جاری کن: "به خدا سوگند که خداوند تو را بر ما مقدم داشت؛ هر چند ما پیش از این، خطاکار بودیم" (یوسف: ۹۱). هنگامی که تو این آیه را بر زبان جاری کنی، پیامبر نیز می‌خواهد با زبانی شیواتر با تو سخن بگوید. پس، پاسخ تو را با قرآن می‌دهد». ابوسفیان چنین کرد و پیامبر به او فرمود: «امروز هیچ سرزندی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرد و او مهربان‌ترین مهربانان است» (یوسف: ۹۲) (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۲: ص ۲۵۲).

نکته دیگر اینکه روش به‌کارگیری کنایه در تذکر دادن، افزون بر اینکه بر تأثیر سخن می‌افزاید، رعایت حدود حیا و شرمساری را نیز در پی دارد. مجری باید تذکرات فنی یا غیرکاری خود را در چهارچوب ادب و با متانت و رعایت حدود حیا با دیگران (به‌ویژه مردان نامحرم) مطرح کند. همچنین، مجری زن در بیان مطالب باید مراقب عزت نفس خود باشد. حفظ عزت نفس، یکی از موضوعات مهمی است که اسلام بر آن تأکید دارد و از مسلمانان می‌خواهد در هیچ شرایطی آن را از دست ندهند؛ از این‌رو، اسلام هر کار و سخن و رفتاری را که موجب اختلال در عزت نفس گردد، مردود می‌داند و بر هر چیزی که باعث حفظ یا افزایش عزت نفس باشد، پافشاری می‌ورزد.

رعایت حیا در بیان مسائل جنسی از موارد مؤکد دین است. در قرآن وقتی دامنه سخن به مسائل جنسی کشیده می‌شود، جلوه‌های ادب و حیای خداوند بروز می‌کند؛ صراحت، جایش را به کنایه می‌دهد. نه تحریک‌آمیز سخن گفته می‌شود و نه به گونه‌ای که حکم مسئله در پس پرده حیا و ادب مخفی بماند؛ برای مثال: ﴿أَجَلٌ لَكُمْ نَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثِ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ﴾؛ در شب روزه‌داری، نزدیکی با همسرانتان بر شما حلال گردید» (بقره: ۱۸۷). بنا به گفته راغب، مراد از واژه «رفث»، سخنی است که ذکرش متضمن آغاز-مغازله-آمیزش و تمتع از همسر است؛ به طوری که آشکارا و



صریح گفتن آن، زشت و شرم‌انگیز است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ص ۹۰). چنان‌که ملاحظه می‌شود در این آیه اشاره شده که در شب ماه رمضان، بر زبان‌راندن کلمات محبت‌آمیز و تحریک‌کننده پیرامون مسائل زناشویی بر شما حلال شده است. این گفتار باحیا در قرآن قابل تأمل و شایسته‌الگوبرداری است؛ زیرا قرآن به‌جای اینکه مستقیم از عمل زناشویی سخن به میان آورد، واژه رفت را به‌کار برده که کنایه از مزاجت و همبستری با همسر است. درواقع، در اینجا، هم حریم این کتاب حفظ می‌شود و هم حرمت مخاطب.

خداوند در بیان داستان یوسف و زلیخا حتی در حساس‌ترین لحظات هم به رعایت حیا پایبند بوده است. همان‌گونه که اشاره شد، در قرآن برای بیان وقایع جنسی، به‌جای اشاره مستقیم، از کنایه استفاده شده است؛ برای مثال، واژه «عورت» در اصل به‌معنی چشمی است که بینایی آن زائل شده است. این کلمه بعداً درباره چیزهایی به‌کار رفت که نباید دیده شوند و دیده‌شدن آن‌ها قبیح و آشکارشدن آن‌ها مایه شرم است (ابن فارس، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴). بنابراین، عورت از همان واژه‌های کنایه‌ای است که به‌سبب تکرار بسیار، معنای اصلی خود را ازدست‌داده است. در قرآن این معنا به‌طور کنایه‌آمیز استفاده شده است.

نکته مهم این است که در رسانه برای بیان مسائل جنسی به‌استفاده صریح از کلمات و جملات نیازی نیست، بلکه مجری زن می‌تواند با اشاره و استفاده از کنایه‌هایی که موضوع را تبیین می‌کند، به این مباحث وارد شود. بیان این‌گونه مطالب از سوی یک زن حساسیت‌های زیادی دارد؛ ممکن است مخاطب را تحریک کند و آثار مخربی بر جای گذارد.

مبحث دیگر در حیا گفتار این است که طوری باید دیگران را خندانند که حریم‌ها و حدود شکسته نشود. شوخی بیش‌ازحد با نامحرم در فضای برنامه‌های رسانه‌ای قبح حریم‌ها را می‌شکند و آسیب‌های زیادی به مخاطبان وارد می‌سازد. مجری زن باید حدود شوخی را در فضای برنامه، مدیریت و متانت خود را در ارتباط



با نامحرم حفظ کند. امام محمد باقر علیه السلام، ابابصیر را به خاطر شوخی با زن نامحرم تویخ کرد و از وی خواست دیگر مرتکب این کار نشود (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۶: ص ۲۴۷) و این در حالی بود که وی به آن زن، قرآن یاد می داد. مهم ترین آسیب بیان طنز و شوخی زیاد با نامحرم، عادی سازی رابطه است که می تواند در فضای برنامه به مخاطب نیز منتقل گردد. ارتباط راحت و بدون حدود با نامحرم که در بسیاری از برنامه های رادیویی و تلویزیونی مشاهده می شود، حیا را از بین می برد. مجری زن باید بتواند در عین اینکه ارتباط شایسته ای با مهمان و طرف مقابل خود دارد، شوخی های خود را در حد کفایت مدیریت کند.

خندیدن یکی از حالاتی است که پیرو شوخی پدید می آید. این مسئله در اسلام قواعدی دارد که باید به آن توجه کرد؛ بهترین نوع خنده از منظر اسلام تبسم است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «خنده مؤمن به شکل تبسم است» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۶۶۴). سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله نیز این بود که خنده ایشان از تبسم تجاوز نمی کرد (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۳: ص ۵۹). همچنین، امام صادق علیه السلام می فرماید: «هنگام خنده نباید دندان های جلو دهان دیده شود که در این صورت، عمل ناپسندی انجام داده ای و کسی که بدی مرتکب می شود، از شیخون در امان نمی ماند» (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۶۶۴). خنده هایی که در اسلام مذموم اند، عبارت اند از: قهقهه، خنده بی دلیل و خندیدن به سبب گناه.

قهقهه یعنی خندیدن با صدای بلند به گونه ای که صدای خنده از دور شنیده شود. در روایتی آمده است: «قهقهه از شیطان است» (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ص ۱۱۴)؛ یعنی شیطان، انسان را به قهقهه ترغیب می کند. در روایت دیگر آمده است: «اگر صدای خنده ات به قاه قاه بالا گرفت، بعد از آنکه از مستی خنده باز آمدی بگو: "بار خدایا از من نفرت مکن"» (همان جا). زن مجری باید خنده خود را مهار کند. این بدان معنی نیست که منظور اسلام این است که انسان خنده رو نباشد. در روایات متعددی داریم که «پیامبر صلی الله علیه و آله لبخندش از همه مردم بیشتر و خوش خلق تر بود، مگر



وقتی آیه‌ای نازل می‌شد و به یاد قیامت می‌افتاد و یا مشغول موعظه می‌شد. و چون مسرور بود، از همه مردم خوشنودتر بود» (عارف، ۱۳۷۲، ج ۴: ص ۱۶۱).
 خنده مذموم دیگر، خنده بی‌دلیل است؛ یعنی مجری بی‌دلیل و بدون اینکه مسئله‌خنده آوریرایش رخ بدهد، بخندد. در بعضی از روایات، این کار نشانه نادانی معرفی شده است (کلینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ص ۶۶۴) و در روایت دیگر، این گونه افراد جزو کسانی شمرده شده‌اند که غضب شدید خدا بر آنها نازل می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۳: ص ۳۳۲).

یکی دیگر از انواع خنده مذموم، خندیدن به سبب گناه است؛ یعنی مجری به چیزی بخندد یا با چیزی دیگران را بخنداند که منشأ آن فعل حرامی چون تمسخر، طعنه، غیبت و غیره باشد. رسول خدا ﷺ در وصایای خود به ابوذر فرمود: «ای ابوذر، وای به حال کسی که سخن دروغ بگوید تا مردم را بخنداند، وای بر او، وای بر او» (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ص ۲۵). بعضی تصور می‌کنند اگر کسی در قالب شوخی و مزاح و جلب توجه و خنداندن مردم، مرتکب دروغ، تمسخر، غیبت، آزار یا هر گناه دیگری شود، اشکالی ندارد؛ زیرا این موارد جنبه شوخی و مزاح دارد و جدی نیست، اما این نکته را باید در نظر داشت که در شرع مقدس اسلام، گناه به‌طور کلی نهی شده است؛ چه شوخی چه جدی.

دسته دوم: لحن مناسب

در حیا گفتمان، لحن مناسب بیان مطالب نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سخن سبک و سخیف نباید بر زبان مجری زن جاری شود. نرم و لطیف سخن گفتن با نامحرم و عشوه‌گری در کلام و بیان، مخالف حیاست. خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛ زنهار نازک و نرم با مردان سخن مگویید مبادا آن که دلش بیمار هوا و هوس است به طمع افتد، بلکه متین و درست و نیکو سخن گوید» (احزاب: ۳۱).



«خضوع» در این آیه به این معنی است که زنان آهننگ سخن گفتن خود را در برابر مردان، نازک و لطیف نکنند تا مردان بیماردل را دچار ریه و خیال‌های شیطانی نکنند و موجب برانگیختن شهوت آن‌ها نشوند.

منظور از «بیماری دل»، نداشتن نیروی ایمان است؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به شهوت باز می‌دارد و «قولاً معروفاً» یعنی سخن معمولی و مستقیمی بگویند که به دور از کرشمه و ناز باشد و شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

این آیه به کیفیت و محتوای سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه اشاره دارد و گوشزد می‌کند که صحبت کردن با نامحرم باید عقیفانه و به دور از نرمش و خضوع و خودنمایی باشد. همچنین، بر اجتناب از هرگونه سخنان بیهوده و غیرضروری و شهوت‌انگیز تأکید دارد و متذکر می‌گردد ممکن است در اثر نمایش جاذبه‌های زنانه و سخنان هوس‌آلود، افرادی که به دلیل ضعف یا فقدان ایمان از سلامت روحی و روانی و اعتدال نفسانی برخوردار نیستند، به فکر گناه و فحشا بیفتند و امنیت جامعه و فضای کاری را به خطر بیندازند.

۴. حیا در رفتار

مهم‌ترین جلوه حیا در رفتار، ترک گناه است؛ حتی گناهان کوچک. اگر انسان متوجه نعمت‌های خدا باشد یا خود را در محضر خداوند ببیند و یا اندک محبتی از خداوند در دل داشته باشد، حیا باعث می‌شود سراغ گناه نرود. حیا در رفتار در جلوه‌های مختلفی ظهور پیدا می‌کند:

الف) حیا در پوشش

مهم‌ترین عاملی که سبب می‌شود انسان خود را ببوشاند، حیاست. وقتی حضرت آدم و همسرش (حوا) از آن میوه ممنوعه خوردند، با آنکه فرد دیگری در بهشت نبود،



حالتی از حیا در آنان پدیدار شد و درصدد برآمدند تا برای خود، پوششی درست کنند. حیا در اینجا مصداقی علنی پیدا می‌کند.

پوشش مجری زن یکی از موضوعات مهمی است که باید در اینجا به آن پرداخته شود. شماری از مجریان زن با پوشش چادر تا حدی این مسئله را مدیریت می‌کنند، اما مجریانی که حجاب چادر ندارند، باید از پوشیدن لباس‌های محرک، چسبان، نازک و دور از شأن زن مسلمان اجتناب کنند. پوشیدن لباس‌های نامتعارف و محرک نوعی بی‌حیایی را در جامعه ترویج می‌کند. لباسی که زنان بر تن می‌کنند، بدن آن‌ها را از دید نامحرم مصون می‌دارد، اما گاهی شکلی از پوشش را در زنان مجری می‌بینیم که در قالب پوشش، برهنگی را احیا می‌کند. این نوع لباس‌ها با تغییر، در دو مؤلفه، تولید و استفاده می‌شوند: نوع دوخت و جنس پارچه. نوع دوخت به گونه‌ای است که لباس را به تن می‌چسباند و حجم بدن را نمایان می‌سازد یا بخشی از بدن را برهنه می‌کند. جنس بعضی پارچه‌ها نیز نازک و بدن‌نماست. این نوع پوشش‌ها مخالف حیاست. در روایات از این گروه به‌عنوان «کاسیات عاریات»، یعنی پوشیدگان برهنه نام برده شده است. رسول خدا در زمره دوزخیان از زنانی نام می‌برد که لباس بر تن دارند، اما گویا برهنه‌اند و در میان مردم به‌صورت تحریک‌کننده‌ای راه می‌روند (پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۱۸۶).

یکی از مشکلاتی که امروز دامن‌گیر مجریان زن شده است، استفاده از لباس‌ها و روسری‌هایی با رنگ‌های زننده است. این لباس‌ها بیش از آنکه وقار و متانت زن مجری را نشان دهد، به‌نوعی او را به یک مدل برای ارائه الگوهای ناهنجار تبدیل کرده است. در آموزه‌های اسلامی درباره پوشش زن توصیه‌های فراوانی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره زنان را از پوشیدن لباس‌های توجه‌برانگیز برحذر می‌داشت.

نکته مهم دیگری که باید در اینجا به آن اشاره کرد، این است که در مواردی دیده می‌شود زنان برای اجرای یک برنامه، لباس مردانه پوشیده، در نقش مرد حاضر



می شوند. توصیه علمای اخلاق این است که بهتر است زنان دست به این کار نزنند؛ زیرا این کار موجب ترویج مردانه پوشی زنان در جامعه می شود و این مبدل پوشی در صورت تکرار، حالت همیشگی پیدا می کند و فرد نیز در صورت تکرار، دیگر نگران قضاوت جامعه و طرد شدن نیست و این مسئله آثار منفی در پی خواهد داشت.

ب) حیا در آرایش و چهره پردازی

در برنامه های تلویزیونی، مجری را برای حضور در صحنه با گریم و چهره پردازی آماده می کنند. براساس نظر مراجع، گریم تا حدی که استانداردهای تصویری را تأمین کند، مصداق آرایش به شمار نمی آید، اما اگر به آرایش غلیظ چهره و عامل جلب توجه مرد نامحرم تبدیل شود، مذموم است. مجری اخلاق مدار نباید صورت و دست های خود را آرایش کند؛ زیرا هم از نظر شرعی اشکال دارد و هم از منظر اخلاقی پسندیده نیست.

ج) حیا در نشستن، ایستادن، راه رفتن و حرکت های بدن

تمام حالات و اعمال زن باحیا تحت الشعاع حیای اوست. مجری زن در هنگام راه رفتن باید جانب حیا را رعایت کند و با عشوه و ناز و تحریک آمیز راه نرود. خداوند در قرآن درباره دختران شعیب، الگوی باحیایی را چنین ارائه می دهد: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾؛ ناگهان یکی از آن دو زن به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت» (قصص: ۲۵). راه رفتن توأم با متانت در برنامه تلویزیونی برای مجریان زن بسیار مهم است.

مجری زن باید مراقب باشد که حرکت های بدنی اش خارج از حالت متعارف و تحریک کننده نباشد و فرد مقابل و مخاطب را تحریک جنسی نکند. او باید بتواند قدرت کلمات و بیان را جایگزین حرکت های اضافی بدن کند. موضوع دیگر، رعایت فاصله منطقی با مهمان نامحرم است. بعضی از مجریان زن در فاصله بسیار



نزدیکی با مرد نامحرم قرار می‌گیرند که قطعاً هم موجب مفسده در مردان و هم موجب نوعی الگوسازی بسیار ظریف در جامعه می‌شود. زن مجری طی اجرای برنامه باید فاصله منطقی و معقولی با نامحرم داشته باشد؛ زیرا بی‌توجهی به این مسئله، مفسد دیگری در پی دارد.

مبحث دیگر، نوع نشستن و ایستادن مجری زن در مقابل مرد نامحرم است. گاهی مجریان زن، مستقیم روبه‌روی مرد نامحرم می‌نشینند یا می‌ایستند و گاهی به‌آنها بسیار نزدیک می‌شوند که این مسئله به اصل حیا خدشه وارد می‌کند. مجری زن برای رعایت حیا باید طوری بنشیند یا بایستد (به‌طور مایل) که مجبور نشود به‌صورت فرد مقابل خیره شود یا با نشستن در نزدیکی نفر مقابل، مفسده ایجاد کند. نشستن یا ایستادن مقابل نامحرم، توجه وی را به بدن مجری معطوف و از نظر تصویری نیز منظره بی‌حیایی را از ارتباط با نامحرم ترویج می‌کند.

نکته دیگر، استفاده از زیورآلات در برنامه است که این نیز جلب توجه می‌کند. استفاده از وسائلی مانند ساعت‌های نامتعارف و دست‌بند، موجب جلب توجه مخاطب به‌ویژه نامحرم می‌شود که از منظر اخلاق اسلامی مذموم است. به‌طور کلی معاشرت با مرد نامحرم، نیازمند مراقبت‌های متعددی است. اگر مجریان زن، این اصول را رعایت کنند، آثار مثبتی در جامعه برجای می‌گذارند.



نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد اخلاقی مهم مجری‌گری زنان توجه به موضوع حیاست. از نگاه اسلام، حیا در نظام تربیتی انسان از جایگاه والایی برخوردار است. در مبحث انسان‌شناسی، اخلاق در درجه نخست اهمیت قرار دارد که در بردارنده عناصر بسیاری است. شماری از این عناصر، امتیاز و برتری ویژه‌ای دارند که اصطلاحاً «مکارم اخلاق» نامیده می‌شوند. عنصر یا عامل «حیا» در رأس این مجموعه مکارم (شایستگی‌ها) قرار دارد.

مفاهیم اصلی و ارکان تشکیل‌دهنده حیا عبارت‌اند از: مهار کردن خود و مدیریت نفس. ناسازگاری میان خواست و مصلحت ایجاب می‌کند انسان، نفس خود را که مرکز خواسته‌هاست، مهار و مدیریت کند. از سوی دیگر، وقتی کسی در وضعیتی قرار گیرد که زمینه کار قبیح فراهم است و ممکن است به آن اقدام کند، موقعیت حیا پیش می‌آید. همچنین، حیا فقط هنگامی برانگیخته می‌شود که عنصر نظارت وجود داشته باشد. در عین حال، برای اینکه حیا شکل بگیرد، خود شخص نیز باید حضور ناظر را درک کند و برای او احترام قائل باشد. شرط دیگر این است که شخص باید بداند کاری که می‌خواهند وی انجام دهد، اخلاقی است یا خیر.

حیا در مجری‌گری زنان را می‌توان در چهار گونه دسته‌بندی و بررسی کرد: اولین گونه، حیا در نگاه است. مهم‌ترین مسئله‌ای که در حیای نگاه وجود دارد، نگاه خیره است. زن مجری نباید به مرد نامحرم خیره نگاه کند؛ زیرا این خیرگی، طرف مقابل را به انحراف می‌کشد. تغییر حالات چشم و استفاده از قدرت و عشوه زنانگی برای تحریک مرد، کاری مغایر اخلاق دینی است. همچنین، زن مجری نباید با غمزۀ چشمان خود، مخاطب را تحریک جنسی کند. چشمک‌زدن، خمار و نازک کردن چشم و مسائلی از این دست به الگوهای مبدل شده که نمود آن را می‌توان در فضای جامعه مشاهده کرد. مهم‌ترین اثر این عمل، ترویج بی‌حیایی در نگاه میان زن و مرد جوان است. نکته دیگر اینکه نوع گریم افراطی و غیراخلاقی چشمان



زنان مجری و استفاده از لنزهای رنگی برای تغییر رنگ چشم نیز خود به تولید الگوهایی در میان دختران جوان منجر شده که هر روز نیز متنوع تر می شود. تردیدی نیست که این امر در راستای افزایش مصرف، به ویژه لوازم آرایش، در جامعه رخ می دهد و تن دادن به نوعی بی اخلاقی و ناهنجاری اجتماعی را غیرمستقیم به جوانان القا می کند.

دومین گونه، حیا در شنیدن است. در فضای تولید برنامه ممکن است سخنان زشت و رکیک، حرف های جنسی و تحریک کننده از سوی بعضی دست اندر کاران و مجریان گفته شود که شنیدن آنها نیز بی حیایی شنیداری را در پی دارد. مجری زن باید بتواند با مدیریت شنیده هایش از شنیدن این گونه سخنان غیر اخلاقی دوری کند.

حیا در گفتار، گونه سوم حیا در مجری گری زنان است. حیا در گفتار با دو عامل نمایان می شود: یک) بیان مطالب و محتوای مناسب؛ دو) لحن مناسب بیان مطالب. در درجه اول محتوای کلام مجری زن باید از معاصی گفتاری چون دروغ، غیبت، تهمت، تمسخر، تخریب و هتک حرمت دیگران خالی باشد و در ارتباط های کلامی باید ادب و احترام را رعایت کند.

روش به کارگیری کنایه در تذکر دادن، افزون بر اینکه بر تأثیر سخن خواهد افزود، رعایت حدود حیا و آزر را نیز در پی دارد. مبحث دیگر این است که مجری زن در بیان مطالب، باید مراقب عزت نفس خود باشد. رعایت حیا در بیان مسائل جنسی نیز از موارد مؤکد دین است. برای بیان مسائل جنسی در رسانه، نیازی به استفاده صریح از کلمات و جملات نیست، بلکه مجری زن می تواند با اشاره و استفاده از کنایه هایی که موضوع را تبیین می کند به این مباحث وارد شود.

موضوع دیگر در حیا گفتار این است که می توان دیگران را به خنده واداشت، ولی حریم و حدود را نشکست. خنده های مذموم در اسلام عبارت اند از:



قهقهه، خنده‌بی دلیل و خندیدن به سبب گناه. سخن سبک و سخیف نباید بر زبان مجری زن جاری شود. نرم و لطیف سخن گفتن با نامحرم و عشوہ گری در کلام و بیان، مخالف حیاست.

گونه چهارم، حیا در رفتار است که مهم ترین جلوه آن، ترک گناه است؛ این جلوه از حیا با مسائلی چون حیا در پوشش زنان مجری، آرایش و چهره پردازی، حیا در نشستن، ایستادن و راه رفتن و حیا در حرکات بدن تبیین می شود.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۹۲)، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: یاسین نور.
۳. ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۷۶)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. پارسا، محمد (۱۳۷۲)، زمینه روان شناسی عمومی، تهران: بعثت.
۵. پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: دارالحدیث.
۶. تجدد علیزاده، مهرناز (۱۳۹۰)، ارائه الگوی مناسب جهت تربیت مجریان سیاسی خبر در سیمای جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: اسراء.
۹. حر عاملی، محمد (۱۳۷۲)، وسائل الشیعه، قم: آل البيت.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۳۸۸)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
۱۲. صدوق، محمد (۱۳۷۶)، الامالی، تهران: کتابچی.
۱۳. صفایی، رسول (۱۳۷۲)، گویندگی رادیو و تلویزیون، اصفهان: گلبهار.
۱۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۵۶)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
۱۶. عارف، سید محمد صادق (۱۳۷۲)، راهروشن (ترجمه المحجة البيضاء)، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۷. عباسی آرانی، عبدالله (۱۳۹۲)، بازیگری زن در آئینه شریعت، کاشان: مرسل.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۶)، اصول کافی، قم: دارالحدیث.



۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار، تهران: حضرت ولیعصر (عج).
۲۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۷)، مسئله حجاب، تهران: صدرا.
۲۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۳. موسویان، سیدمرتضی و سعید یاری (۱۳۹۳)، «ارائه ویژگی های مطلوب و مورد نیاز مجریان برنامه های ورزشی تلویزیون». فصلنامه علوم خبری، ش ۱۰، ص ۳۱-۷۰.



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-Balagheh* (2013), Sayed Razi, Translated by Mohammad Dashti, Qom: Yasin Noor.
3. Abbasi Arani, A. (2013), *acting in the Mirror of religious law*, Kashan: Mursal.
4. Aref, S. M. (1993), *Bright Way (Translation of al-Mahajjat al-Bayza)*, Mashhad: Astan Qons Razavi.
5. Dekhoda, A. (1959), *Dictionary*, Tehran: University of Tehran Press.
6. Hoor Ameli, M. (1993), *Vasael al-shia*, Qom: Al al-Bayt.
7. Ibn Faris, A. (1997), *Mu'jam Maqayis al-Lughah*, Qom: Islamic Propaganda Office Publications.
8. Javadi Amoli, A. (2007), *Woman in the mirror of glory and beauty*, Qom: Esraa.
9. Kolini, M. (1987), *Usul al-Kafi*, Qom: Dar al-Hadith.
10. Majlisi, M. (1984), *Bihar al-Anwar*, Tehran: Hazrat Valiasr.
11. Mohammadi Reyshahri, M. (2005), *Mizan al-Hikmah*, Qom: Dar al-Hadith.
12. Motahari, M. (2018), *the issue of hijab*, Tehran: Sadra.
13. Mousavi Khomeini, R. (1999), *Sahifeh Imam*, Qom: Imam Khomeini Publishing House.
14. Mousavian, M. and Yari, S. (2014), "Providing desirable and required features of TV sports presenters", *News Science Quarterly*, Vol. 10.
15. Parsa, M. (1993), *General Psychology*, Tehran: Besat.
16. Pasandideh, A. (2014), *Research in the culture of modesty*, Qom: Dar al-Hadith.
17. Ragheb Esfahani, H. (2009), *Translation and research of the contents of the words of the Quran*, Translated by Seyed Gholamreza Khosravi Hosseini. Tehran: Mortazavi.
18. Saduq, M. (1997), *al-Amali*, Tehran: Ketabchi.
19. Safaei, R. (1993), *Radio and television narrator*, Isfahan: Golbahar.
20. Tajadod Alizadeh, M. (2011), *Providing a suitable model for training political news anchors on the Islamic Republic of Iran TV*, Master Thesis, University of Tehran.
21. Tamimi Amadi, A. (1999), *qorar al-Hekam*, Qom: Islamic Culture Publishing Office.
22. Tarihi, F. (1996), *Majma al-bahrain*, Tehran: Mortazavi.
23. Tusi, N. (1977), *Naseri ethics*, Tehran: Islamic Theological Publications.